

شناخت و تحلیل مسائل طراحی محیط معماری و شهرسازی از منظر اسلامی (در گستره قرآن و روایات)

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۴
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۲

عبدالحمید نقره‌کار* - مهدی حمزه نژاد**

صدیقه معین مهر***

چکیده

اسلام ارزش‌های تعالی جویانه‌ای را در زمینه شهر و محیط زندگی انسانی مطرح کرده که امروزه با ظهور فرهنگ جدید و غفلت از ابعاد معنوی انسان مورد بی‌مهری قرار گرفته است. برای احیاء این ارزش‌ها در شهرسازی معاصر لازم است این ارزش‌ها از حالت عام و کلی به صورت مسأله تخصصی تبدیل شوند. هدف از این مقاله طرح مسائل شهرسازی اسلامی و استخراج اصول مربوطه برای طراحان شهری و معماران می‌باشد. روش مورد استفاده در این مقاله مراجعه به منابع خطاناپذیر اسلامی و استنباط و استدلال منطقی است و با بررسی مبانی و متون دینی در مقایسه شیوه سنتی و تاریخی ساخت و ساز از یک سو و نیازهای جدید از سوی دیگر تلاش می‌شود اصول و ارزش‌ها برای تعالی انسان در شهر استخراج شود. مهم‌ترین این ارزش‌ها را می‌توان در کلیت شهر در عرصه‌هایی همچون ارزش شهر به منظور بسترسازی برای اشتغال، تفریح و سلامت جسمی، نظارت عمومی و توجه به اظهار شاعر دینی در عرصه شهر دانست. در محله نیز مسجد به عنوان مرکز محله با تشویق مردم به حضور در آن مطرح شده و بازار و مراکز فروش به عنوان تأمین کننده مایحتاج مطرح می‌شود. کلیت محله‌ها از نظر شأن فرهنگی و دینی اعتبارهای مختلف دارند و لازم است در انتخاب محله اسلامی این اعتبار مطالعه گردد. خانه‌ها نیز مهم‌ترین عرصه خصوصی و حریم خانوادگی بوده و نباید استقلال و حرمت آن‌ها با هر نوع مزاحمت همجواری خدشه‌دار شود. در مجموع هنگامی خانه، محله و شهر اسلامی خواهیم داشت، که معماران و شهرسازان ما با شناخت کافی از حکمت نظری و عملی اسلام در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی محیط اقدام نمایند. بدیهی است که سایر ارکان شهر یعنی قوانین، مدیران و شهروندان نیز می‌بایست از مبانی اسلامی تبعیت نمایند.

واژگان کلیدی: اولویت‌های سکونت، اسلام، شهر، محله، خانه.

* دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

** استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

*** دانشجوی دکترای معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

اسلام، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین توحیدی در قلمروهای زیادی از زندگی بشر تأثیر گذاشته است. به عبارتی هر آنچه را که در تعالی بشر نقش دارد؛ در دستورالعمل‌هایی مادی و معنوی در شکل «شایسته‌ای» نظام بخشیده است. سکونت نیز از این مقوله مستثنی نیست. در مقیاس‌ها و موضوعات مختلف، کیفیت مطلوب سکونت مبتنی بر محتوای این دین توحیدی تشریح شده است. مفهوم اجتهاد زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل و بیان احکام جدید است و به استناد دیدگاه اسلامی اجتهاد، ابزار تحقق بخش به ارزش‌های اسلامی در همه زمان‌ها و مکان‌هاست. به همین دلیل در همه عرصه‌های زندگی به ویژه عرصه مهم طراحی محیط نیاز به رویکرد اجتهادی در تنظیم احکام اسلامی جدی می‌باشد و این مسأله در عصر امروز اهمیت دو چندان یافته است.

در حوزه سکونت؛ شهرهای معاصر بیش از همیشه به توجه به ارزش‌های مطرح در اسلام نیازمند هستند. امروزه اغتشاش و شرایط ناپایدار انسانی و محیطی به حداکثر رسیده‌اند و آثار و نتایج آن از تقویت نامتناسب زندگی فردی تا گسیختگی اجتماعی و گسترده‌گی سطح آلودگی‌های محیطی، همه و همه به تهدیدات عمده جهانی چون تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین، اغتشاش در روابط اجتماعی و خانوادگی، بی‌توجهی به ابعاد معنوی زندگی و نقش عبادت در برنامه زندگی و ... منجر شده است.

امروزه بسیاری از نظریه‌پردازان جهان نیز به این امر توجه نموده‌اند به گفته باتر فیلد، مذاهب می‌توانند در طرز تلقی افراد و یا جمعیت‌های انسانی نسبت به مکان دخالت کنند، از این رو می‌توان با شناسایی عناصر سازنده ایمان‌گرایی در فضا، در حفاظت محیطی و مسئولیت اجتماعی نسبت به مکان کوشید. در این دیدگاه مکان‌ها تبدیل به مراکزی سرشار از مفاهیم عمیق از وجود بشری می‌شود (Butterfield, 2004, p. 20). همچنین به گفته کنتر مکان دینی نقطه اشتراک مفاهیم قدسی، شاخص‌های کالبدی پذیرفته شده اعتقادی و فعالیت حق جویانه و ارزش‌مدار می‌باشد (Canter, 1971, p. 14). این تحقیق درصدد پاسخ دادن به این سؤال است که مهم‌ترین تأثیرات آموزه‌های اسلامی در عرصه طراحی محیط شهر و معماری چیست و این آموزه‌ها در رقابت با نیازهای جدید، نظریه‌های جهانی چگونه باید مورد توجه قرار گرفته و ارزش‌های آن‌ها حفظ شود.

۱. پیشینه تحقیق

پیش از این در چند مورد، مطالعاتی در زمینه شناسایی اصول شهر اسلامی و ویژگی‌های محله و خانه صورت گرفته که برخی مستند به آیات و روایات و برخی دیگر مستند به هویت تاریخی معماری و شهرسازی مسلمین این اصول را تنظیم کرده‌اند. همچنین تلاش‌هایی هم در تنظیم منابع روایی و دینی در این رابطه وجود دارد. در حالی که چنین مطالعاتی در کشور ما در آغاز راه قرار دارد، در کشورهای عربی اسلامی حجم بیشتری از این مطالعات وجود دارد. از گونه نخست، نمونه‌هایی همچون: بسیم سلیم حکیم، شهرساز تونسسی که تلاش کرده برخی اصول شهرهای عربی - اسلامی را استخراج کند. ارزش کار وی در این است که با طراحی شهرهای معاصر گره خورده و تلاش کرده برای نیاز امروزی تنظیم شود. از جدیدترین و مفیدترین کارها، مطالعات هشام مرتضی در کتاب اصول ساخت و ساز در اسلام است که به خوبی به روایات و تفسیر آن و شواهد تاریخی توجه کرده است. ولیکن اشکال آن در این است که از بُعد روایات به منابع شیعی و از بُعد مظاهر تاریخی به معماری و شهرسازی ایرانی کم توجه است. همچنین می‌توان به مطالعات عبدالستار عثمان در کتاب مدینه اسلامی و گلزار حیدر در کتاب صفات شهر اسلامی اشاره نمود. با این همه مطالعات آن‌ها با ارزش‌های ایرانی - شیعی سازگار نیست. در ایران یکی از پژوهشگران قابل توجه در این عرصه محمد نقی زاده است که در پژوهش‌های گسترده‌ای تعریفی جامع و ارزشمند از هویت اسلامی و معماری و شهرسازی اسلامی ارائه نموده است. وی بیشتر این اصول را بر مبنای اخلاق اسلامی تعریف کرده و تلاش نموده معماری بسترساز برای ایجاد اخلاق متعالی اسلامی تعریف نماید. با این حال در قیاس با کتب اهل سنت توجه وی به متون روایی و تفسیرهای دقیق و فقیهانه کم است. از مطالعات وی می‌توان به کتاب، شهر و معماری اسلامی (Naghizadeh, 2008)، و کتاب، ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی (Naghizadeh, 2007) اشاره کرد. این مطالعات زمینه ساز و بستر تحقیق ما به حساب می‌آیند.

۲. روش تحقیق

این تحقیق، از نوع مطالعات میان رشته‌ای است و به همین جهت بین علوم اسلامی، قرآن، حدیث و فقه در حوزه با معماری و شهرسازی دارد، ارتباط برقرار می‌کند (Gharamaleki, 2006, p. 394). در این راستا داده‌های پژوهش از سه حوزه جمع‌آوری می‌شود: ۱- حوزه متون دینی قرآن و روایات و تفاسیر عالمان فقه و تفسیر قرآن. ۲- حوزه تاریخ، معماری و شهرسازی تاریخی. ۳- حوزه تئوری‌های مطرح و معاصر جهان و جهان اسلام. از این رو، تحلیل مسأله‌ها از طریق تفکیک ارزش‌های سه‌گانه درون هر مسأله و اولویت‌سنجی بین آن‌هاست. شایان ذکر است که آیات و روایات تنها جنبه فقهی ندارند و توانسته‌اند و می‌توانند تأثیرات ژرف‌تری را در حوزه‌های فضای مصنوع و معماری و جنبه‌های وابسته

به آن مانند ارزش‌های رفتاری و محیطی نمادها، آرایه‌ها (تزئینات) و غیره بر جای گذارند. این پژوهش قصد دارد احکام و برداشت‌های دینی ناشی از آیات و روایات را در تخصص معماری و شهرسازی مورد بررسی قرار داده و اصول و روش‌های عملی تحقیق‌بخش برای آن‌ها بیابد. و از تمام تلاش‌های فوق سعی دارد، با استناد به منابع و تفسیر متفکران شیعی و همچنین با توجه به مستندات تاریخ اسلامی - ایرانی به تشریح این اصول بپردازد.

۳. مسائل مرتبط با عرصه‌های عمومی شهر

زندگی به شیوه اسلامی، که مبتنی بر هدف تعالی انسان می‌باشد، بدون تلاش در راستای به کار بستن دستورالعملی منطبق بر ارزش‌های دینی، امکان‌پذیر نخواهد بود. در واقع هم قرآن «در آیه ۲۰۵ سوره بقره»^۱ و هم سنت، صریحاً بی‌نظمی در هر کدام از جنبه‌های زندگی را محکوم نموده و استفاده از تمامی امکانات و اقدامات سازمان‌یافته در جهت دستیابی به ارزش‌های اسلامی را ضروری می‌دانند. طراحان و مقررات شهرسازی «ساخت محیط»، که تأثیر به‌سزایی در تحقق و تقویت اصول اجتماعی اسلام دارد، یکی از این تلاش‌ها می‌باشد. در این میان اهداف و اصول خاصی نیز وجود دارند که توجه به آن‌ها در برنامه‌ریزی «ساخت محیط» اسلامی و روش‌های اجرا و تحقق آن، حیاتی است (Morteza, 2008, p. 90). در ذیل اصولی برای اولویت انتخاب سکونت از بُعد کلان (انتخاب شهر) تا بُعد خرد (انتخاب محله و خانه) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱- مسأله ۱: رجحان شهرنشینی بر روستانشینی و ضرورت توسعه روستاها

در قرآن و احادیث بحثی در زمینه رجحان شهر و روستا نسبت به هم وجود دارد و متفکران اسلامی دو دیدگاه متفاوت را طرح نمودند. ابن خلدون از مشهورترین طرفداران زندگی روستایی و مولوی از مشهورترین طرفداران شهرنشینی است. مبنای قرآنی این بحث آیه ۶۱ سوره بقره است، که در بستر توییخی نسبت به قوم بنی اسرائیل دستور زندگی شهری داده می‌شود. ولی همه مفسرین این تفسیر را نمی‌پذیرند (Javadi Amoli, 2007, p. 639). در بسیاری از احادیث به ویژه در زمان پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع)، (عصر دولت‌های اصیل اسلام) توصیه به شهرنشینی در شهرهای بزرگ وجود دارد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: (الزمو السواد الأعظم)، «... و در شهر بزرگ منزل کنید که دست خدا با جماعت است». و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید، که انسان جدامانده از جماعت نصیب شیطان می‌شود، همان گونه که گوسفند جدامانده از گله نصیب گرگ است» (Seyyed Razi, 2009, p. 185 ; Baradaran Hakimi, 1992, p. 429). همچنین امام علی (ع) در حدیثی دیگر می‌فرماید: در شهرهای بزرگ منزل کن (اسکن الأمصار العظام)، که مرکز اجتماعات مسلمین است (Ibid, 429). حکیمی در توضیح این روایت می‌گوید: در تعالیم اسلامی بر حضور در جامعه‌های بزرگ تأکید شده است، تا بدین وسیله انسان از محیط‌های بسته بیرون آید و به زمینه‌های رشد دست یابد. و روشن است که محیط‌ها و جامعه‌های سالم می‌توانند زمینه رشد باشند. و یکی از عوامل مهم سلامت هر جامعه و محیط، حضور «عدالت» در آن است (Ibid).

به این دلیل به سکونت در شهرهای بزرگ و ممانعت از تشکیل روستاهای کوچک و پراکنده و یا کوچ‌نشینی و زندگی عشایری توصیه شده است، که رساندن خدمات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی به این مکان‌های پراکنده، به صورت مناسب مقدور نیست و اکثراً این گونه افراد از بعد کمی و کیفی شرایط نامناسب و دشواری دارند. بنابراین اگر دسترسی به خدمات ذکر شده و همچنین دسترسی به تعالیم دینی برای روستاها نیز فراهم شود، تا حدودی زندگی روستایی قابل قبول خواهد شد. (به طور مثال لازم است مسائل کشاورزی و غیره با رشد مکانیزه، با زندگی شهری سازگار شود). با این حال به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی بر زندگی شهری تأکید دارند.

۳-۲- مسأله ۲: رجحان داشتن خانه و شغل در یک شهر و عدم کوچ‌نشینی به خاطر اشتغال

از نظر انتخاب محیط شغلی و زندگی، روایات زیادی از پیامبر و ائمه اطهار مطرح شده است. به طور مثال: از امام سجاد (ع) نقل شده است: از سعادت فرد این است که محل کسب و کارش در شهر خودش بوده و با نیکان رفت و آمد داشته باشد و فرزندان داشته باشد که کمک‌کارش باشند. همچنین در حدیثی دیگر امام صادق (ع) می‌فرماید: سه چیز مایه خوشبختی است؛ همسر همراه، فرزندان نیکوکار و شغلی که در شهر فرد باشد و فرد پس از کار، نزد خانواده‌اش رفته و با آن‌ها خوش باشد.

آیت الله تهرانی در توضیح این روایات می‌گویند: به طور غالب این‌طور است که اگر انسان در همان محیطی که زندگی کرده است، شغل او باشد، یک سنخ تقیدات دارد. گاهی انسان در ربط با اعتقادات دینی‌اش است، گاهی خیلی متدین نیست، اما در آن محیط، حساب آبرویش را می‌کند. یک سنخ از خلاف‌کاری‌ها را نمی‌کند برای اینکه از محیط زندگی‌اش شرم می‌کند. اگر شغلش در محیط زندگی‌اش باشد، یک سنخ خلاف‌کاری را نمی‌کند، این قید و بندها وجود دارد. اگر از این محیط به یک محیط دیگر رود بالاخره همان هواهای نفسانی، همان ابعاد حیوانی در او وجود دارد. مثل یک مرغ از

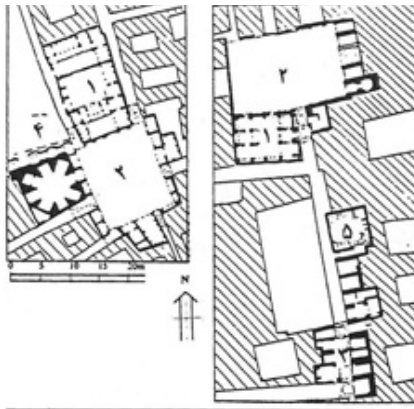
قفس آزاد شده می‌شود، خصوصاً اگر محیط هم خراب باشد. ممکن است که هر خلافتی را مرتکب شود که اگر در شهر و محله خود بود، هیچ‌گاه مرتکب آن‌ها نمی‌شد (Tehrani, 2010).

۴. مسائل مشترک محله و کل شهر

۴-۱- مسأله ۱: قابلیت عرصه عمومی شهر برای انجام مراسمات دینی

انجام مراسمات دینی، فضاهای مخصوص به خود از قبیل، مسجد، حسینیه، و غیره را دارد. اما گاه به دلیل تبلیغ دینی و تعظیم شعائر الهی در شهر می‌توان این مراسمات را در عرصه عمومی شهر اجرا کرد، چرا که قرآن کریم برخی مراسمات همچون نماز جماعت، حج و غیره را از شعائر الهی دانسته و بزرگداشت آن را لازم می‌داند. خداوند در «آیه ۳۲ سوره حج»^۲ می‌فرماید: هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، بی‌تردید آن نشانه تقوای دل‌هاست. حسینیه‌ها و تکایا به عنوان نشانه‌های تذکر دهنده عامل مهمی در معنویت بخشیدن به راه‌های فیزیکی شهر هستند. از نظر فیزیکی «نقاط مکث» و از نظر معنوی «فضایی متذکر» بوده که مردم را در تماس با عاشورا و عاشورائیان قرار می‌دهند. موقعیت آن‌ها در مسیر گذرهای اصلی و یا مراکز محله‌ها، پیوندی بین این عناصر شهری که زنجیروار به هم متصل هستند، ایجاد می‌کند. و این امر به عنوان اصلی در مکانیابی آن‌ها مطرح می‌باشد (شکل ۱). حتی در توسعه‌های جدید که چنین فضاهایی غالباً فراموش شده هستند (شکل ۲). و به صورت چادرهای موقت شکل می‌یابند، علیرغم ناامن بودن، در مسیرهای اصلی یا در تقاطع خیابان‌های فرعی مستقر می‌شوند (Aminzadeh, 1995).

شکل ۱: قرارگیری حسینیه‌ها یا تکایا در مسیر گذرهای اصلی و یا در مراکز محلات، موجب تأکید بر مناسک دینی و تعظیم شعائر است - موقعیت تکایا در محلات



تکیه شاهرخ خان، کرمان (راست، حسینیه نوگا آباد، نایین (چپ)
۱. مسجد ۲. حسینیه یا تکیه ۳. بازارچه ۴. آب اتیار ۵. حمام

(Javadi Amoli, 1999, p. 63)

به طور مثال سنت دسته‌های عزاداری عاشورا و نمازهای عید در طول تاریخ بوده است. در عصر حاضر این برنامه‌ها توسعه یافته و برخی از فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی همچون راهپیمایی‌ها یا عزاداری‌ها و تجمعات دیگر غیر از عاشورا را نیز در برمی‌گیرد. بدیهی است چنین تجمعاتی از جهت حقوقی مزاحمت‌هایی برای برخی از شهروندان ایجاد می‌نماید، و به همین جهت باید نسبت به مجوز برپایی هر یک از آن‌ها و انتصاب شعائر الله به آن از مراجع تقلید اجازه گرفت. بسیاری از این مراسمات با مجوز حضرت امام (ره) برپا می‌شد (برای بحث مشروح و گسترده در مورد شعائر الله می‌توان به کتابی به همین نام از رسول جعفریان مراجعه نمود). لازم به ذکر است در سنت‌های غربی نیز به علل مختلف در ایام شادی یا حزن جمعی چنین تجمعاتی شکل می‌گیرد و مایه تحکیم روابط اجتماعی و حس هویت ملی می‌شود.

۴-۲- مسأله ۲: بعد علمی و دینی در محله و شهر

یکی از اولویتهای انتخاب مکان زیست انتخاب مکانی می‌باشد که عالمان در آنجا سکونت داشته باشند. در چند روایت توصیه شده همنشینی با عالم و نگاه کردن به او و خانه‌اش معادل عبادت هزار ساله و رهایی از آتش جهنم است. از این احادیث می‌توان دریافت که خانه عالم باید مورد رفت و آمد مردم بوده و در محله شاخص باشد. به طور مثال پیامبر به حضرت علی (ع) فرمودند: یک ساعت همنشینی با عالم از هزار سال عبادت بالاتر است و نگاه به عالم از اعتکاف هزار ساله در کعبه بالاتر است و زیارت علما از هفتاد طواف و هفتاد حج و هفتاد عمره مقبوله بالاتر است و خدا چنین کسی را هفتاد درجه بالا می‌برد (Helli, 1986, p.75). در قرآن کریم به طور مستقیم دستور مراجعه به اهل ذکر در مواردی که انسان چیزی را نمی‌داند، داده شده است. خداوند در «آیه ۴۳ سوره نحل»^۳ می‌فرماید: و پیش از تو نیز جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم به رسالت نفرستادیم. اگر نمی‌دانید، از دانایان کتاب‌های آسمانی بپرسید.

از حضرت امام خمینی (ره) نقل شده که فرمودند: من از چهره آیت الله شاه آبادی بیشتر علم گرفتم، برای این است که وقتی وجه الله بشوی، همین‌طور می‌شود «النظرُ إِلَى وَجْهِ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ». وجه عالم الهی و ربانی، وجه خداست. این صورت دیگر صورت آشیخ محمدعلی شاه آبادی نیست، این وجه خدا است که نگاه به او علم می‌دهد (Ibid). همچنین بسیار مهم است که یک شهر به عنوان مرکزی علمی شناخته شود، همچون نگینی بدرخشد، حلال مشکلات و مسائل بوده و در حقیقت بهترین آموزگار جویندگان علم باشد. یک محیط اسلامی زمینه‌ای وسیع برای گسترش روش‌های علمی و فنی است و پیشرفت و جستجوی علم در چنین محیطی موجب تقویت نیروی ایمان است (Heidar, 1984, p. 24).

شماره ۱۳۰۵ • پاییز و زمستان ۱۳۹۳

معماری و شهرسازی آرمان‌شهر

۳-۴- مسأله ۳: وجود بستر اندیشه ورزی در شهر

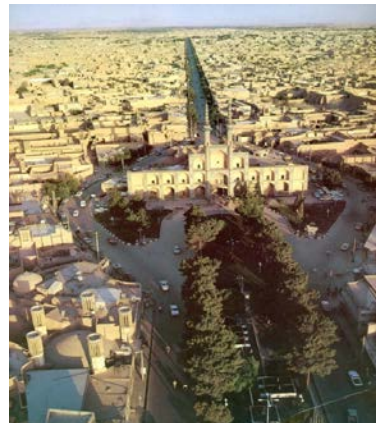
ایجاد فضاهایی در معماری و شهرسازی که حواس پنج‌گانه از تنوع طلبی و تحرک باز ایستند و فضا در مجموع از بعد حسی سکون آفرین و آرامش بخش باشد، بهترین بستر برای اندیشه‌ورزی است. در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است: الصمت روضة الفکر. «سکوت باغ تفکر و اندیشه است» (Mohammadi Rey Shahri, 1998). همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: اکثر صمتک یتوفر فکرک. «سکوت خود را زیاد کنی تا فکر وافر به دست آوری» (Kamareie, 1997, j.4, Ravayat. 10825). معابر پر تردد و شلوغ و ورود وسایل نقلیه پر سر و صدا و مشاغل دارای آلودگی صوتی در عرصه محله‌ها براساس این اصل مردود است (شکل ۳).

شکل ۳: از بین رفتن هویت محلی و بستر اندیشه‌ورزی در شهر و محله - بزرگراه نواب، تهران



(Bahreiny & Aminzadeh, 2006)

شکل ۴: با تغییر بافت سنتی، کارکرد مرکز تجمعات مردمی در راهپیمایی‌ها، عزاداری‌ها از بین رفته است - تکیه امیرچخماغ یزد



(Ranjbar, 2009)

۴-۴- مسأله ۴: وجود بوستان‌های شهری در ایجاد تفریحات سالم برای خانواده

خداوند، شهری را که در طراحی آن باغ و بوستان و به طور کلی طبیعت دیده شده باشد را شهری طیب نامیده و باغی را که در ارتباط با سکونتگاهی باشد، نعمتی الهی بر می‌شمرد «آیه ۱۵، سوره سبأ»^۴. همچنین در «آیه ۳۵ سوره بقره»^۵ آمده است: سکونتگاه نخستین بشر، باغی بهشتی بود. مسلمانان خانه را چون مأمن اول می‌دانستند و هر خانه‌ای هر چند محقر، آب روان و باغی و بوستانی داشته است (Moghaddasi, 1984, p. 21).

وجود بوستان‌های شهری درون محله‌ها و بوستان‌های بزرگتر و متنوع‌تر در مقیاس شهری برای ایجاد تفریحات سالم برای خانواده مفید است. در آموزه‌های اسلامی از تأثیر طبیعت در انسان به گونه‌های مختلف، سخن به میان آمده است، چنان که قرآن کریم درباره اثر محیط زیست در «آیه ۵۸ سوره اعراف»^۶ می‌فرماید: «سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید». این گونه آیات را برای آن‌ها که شکرگزارند بیان می‌کنیم». در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: چهار چیز چهره را نورانی و روشن می‌کند که یکی از آن‌ها تماشای گیاهان خرم و سرسبز است. امام صادق (ع)، در ابتدا متذکر منافع فراوان گیاهان و درختان و استفاده بیشتر از آن‌ها می‌شود، و آنگاه می‌فرماید: نگاه کردن به گل‌های رنگارنگ، شکوفه‌های زیبا و درختان سرسبز و خرم، چنان لذتی به آدمی می‌بخشد که هیچ لذتی را با آن برابر، نمی‌توان کرد (Majlesi, 1987). همچنین امام رضا (ع) فرمودند: «الطيب نشرة و العسل نشرة، و الرکوب نشرة و النظر الی الخضره نشرة».

«بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه به مناظر سرسبز و خرم، باعث نشاط و شادی می‌شود». (نشره چیزی است که موجب آرامش و راحتی اعصاب می‌شود، پس از آن که دچار بیماری و افسردگی شده است) (Ibid). بر طبق این نقل، نگاه به مناظر جذاب و سرسبز گیاهان برخی از بیماری‌های روانی و روحی را از بین می‌برد و افسردگی‌ها و غم‌ها را می‌زداید (Askari Eslampour, 2006, p. 41). لذا ارتباط انسان با طبیعت و عناصر آن از ضروریات زندگی مسلمانان بوده است و تأمین این ارتباط در فضاهای شهری، به ویژه در شهرهای امروز که فناوری و ماشین‌نیزم گسترش یافته و با توسعه شهرها امکان نزدیکی و تماس با طبیعت بکر کمتر میسر است، از وظایف طراحان شهری است. تأمین این ارتباط در مقیاس‌ها و سلسله‌مراتب مختلف از واحد مسکونی، گروه همسایگان، محله شهر و طبیعت بکر ورای شهر در خور تأمل و برنامه‌ریزی است (Naghizadeh, 2008, p. 234).

۵-۴- مسأله ۵: جانمایی مناسب فضاهای تفریحی، سرگرمی

باید توجه داشت که تفریح امری نسبی است و نیاز به آن برای افراد مختلف متفاوت است. فضاهای تفریحی، نمایشی و سرگرمی‌هایی که برای عموم افراد مباح و لازم است، برای کسانی که به مرحله تنبه و تشخیص خیر و شر و زیبایی و زشتی می‌رسند، مزاحم و بیهوده است. بنابراین نباید اینگونه فضاها کانون شهر قرار گیرند و همه زندگی را جهت‌دهی کنند. بلکه باید به نحوی در معماری و شهرسازی جانمایی و طراحی شوند که کمتر در معرض رفت و آمد عمومی دید همیشگی و مستمر و یا مسیرهای فرهنگی - مذهبی باشند، تا مردم را به خود مشغول نکنند و مزاحمتی برای معناگرایی و تذهیب نفس ایجاد نمایند و زمینه ساز غفلت نشود.

خداوند در «آیه ۲۰ سوره حدید»^۷ می‌فرماید: مراحل تکامل زندگی انسان در ۵ مرحله تصویر شده است. که در هر مرحله دل مشغولی و دنیا طلبی آدمی عوض می‌شود. لعب و لهو تنها به دوران کودکی و نوجوانی انسان مربوط است و در سال‌های میانی عمر علاقه‌ای به دنیا شکلی متفاوت می‌یابد. این مراحل مطابق با آن آیه به قرار زیر است: بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است، همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود به گونه‌ای که آن را زرد رنگ می‌بینی؛ سپس تبدیل به کاه می‌شود! و در آخرت، عذاب شدید است یا مغفرت و رضای الهی؛ (و به هر حال) زندگی دنیا چیزی جز متاع فریب نیست!

۶-۴- مسأله ۶: نقش نمادها و یادمان‌های مذهبی در محله و شهر

نمادها و یادمان‌های مذهبی و قدسی باید در شهر ظهوری پررنگ‌تر نسبت به مظاهر روزمره داشته باشند تا بتوانند به زندگی انسان‌ها جهت دهند. این یادمان‌ها از ساده‌ترین آرایه‌ها و آثار همچون اسماء معنوی و اسلامی و انقلابی، تا یاد دانشمندان بزرگ گذشته و معاصر و ارزش‌های باقی مانده از دفاع مقدس به ویژه شهدای گرانقدر انقلاب را شامل می‌شود. در قرآن نسبت به تعظیم شعائر اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. برخی از یادمان‌های امداد و نصرت الهی تحت عنوان ایام الله یا شعائرالله مورد تمجید قرار گرفته است. به طور مثال پس از ذکر داستان‌های امداد الهی به قوم حضرت موسی (ع) و پیروزی بر فرعون و یا پیروزی در جنگ بدر برای مسلمین و غیره جزء ایام الله تلقی شده و تذکر همیشگی مسلمین به آن واقعه ضروری دانسته شده است. انقلاب اسلامی ایران نیز نمونه‌های فراوانی از چنین شعائر ارزشمندی دارد. لازم است در عرصه منظر شهری چنین یادمان‌هایی را ایجاد نمود (اشکال ۶ و ۵ و ۴).^۸ خداوند در «آیه ۵ سوره ابراهیم»^۹ می‌فرماید: موسی را با آیات خود فرستادیم که قومت را از تاریکی‌ها به روشنی بیرون بر، و روزهای خدا (ایام الله) را به یادشان آر، همانا در این کار نشانه‌هایی است برای هر بردبار سپاسگزار.

شکل ۶: یادمان منعکس‌کننده شعائر انقلاب اسلامی - میدان انقلاب، تهران



(www.google.com)

شکل ۵: یادمان منعکس‌کننده شعائر مذهبی در امام زاده صالح (ع) - میدان تجریش، تهران



(Moein Mehr, 2012)

شکل ۴: بهتر است بجای نشانه‌های کالبدی هویت هر منطقه از نمادهای معناگرا استفاده شود و نشانه‌ها منطقی‌تر در عرصه شهر معرفی شوند - میدان قوری، آذربایجان.



(www.mallekan.com)

۷-۴- مسأله ۷: نظارت عمومی بر فضاهای شهری در راستای کاهش جرائم

توصیه‌های اسلامی در مورد مالکیت زمین و توصیه‌های اخلاقی - اجتماعی اسلام باعث شده است که فضاهای عمومی رها شده و بدون نظارت جمعی، که می‌تواند محل بروز بزهکاری‌های اجتماعی باشد، به حداقل ممکن برسد و فضاهای خصوصی کاملاً حفاظت شده‌اند و فضاهای عمومی نیز یا کاملاً حفاظت شده هستند و یا در ترکیب با فضاهای تجاری و یا ورودی فضاهای عملکردی کاملاً در معرض رفت و آمد شهری قرار می‌گیرند (Noghrekar, 2008, p. 535). همچنین

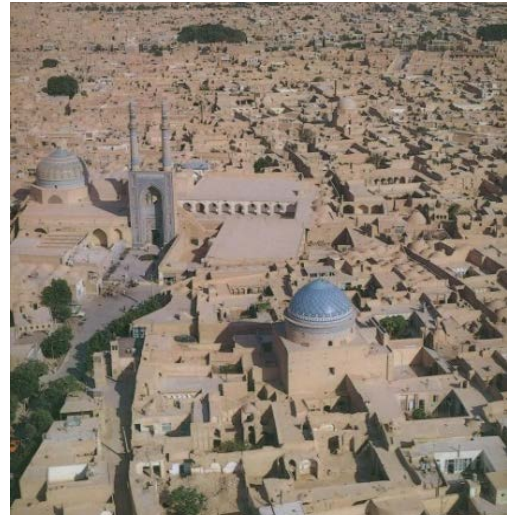
در محله‌های اسلامی مسجد به عنوان کانون نظارت عمومی مورد توجه قرار می‌گرفت (شکل ۷). چرا که مهم‌ترین فضای عمومی شهر در متون اسلامی وظیفه نظارت عمومی برای همه مسلمین در غالب امر به معروف و نهی از منکر تعریف شده است. در «آیه ۱۱۰ سوره آل عمران» آمده است: پیش از این شما بهترین جامعه‌ای بودید که در میان مردم ظاهر شده‌اید، چرا که یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردید و به خدا ایمان داشتید. و در صورتی که در طراحی شهری فضاها در نظارت عمومی قرار گیرند، می‌توان نسبت به کاهش جرائم در آن‌ها مطمئن بود. این مسأله در غرب نیز مورد توجه بوده است و برای کاهش جرائم تلاش می‌شود فضاها در معرض دید عموم باشد. در عین حال وجود فضاهایی نسبتاً دنج و تا حدودی خصوصی در عرصه شهری برای عملکردهای خاص و کنترل شده مفید خواهد بود. حدود چنین فضاهای نیمه خصوصی در عرصه شهری، براساس سلسله‌مراتب شهری صورت می‌گیرد. به طور مثال کوچه‌های بن بست در شهر سنتی اگرچه فضاهایی دنج و نیمه خصوصی بود ولی تحت نظارت اهالی آن کوچه قرار داشت (Hamzenejad & Zarrin Ghalam, 2011) (شکل ۸).

شکل ۸: قلمرو فضای مسکونی و نظارت عمومی بر آن.
۱. گذر عمومی ۲. بن بست که با گذر عمومی ارتباط باز دارد و هشتی اختصاصی که با در، از بن بست اختصاصی جدا می‌شود. ۳. حیاط‌های خصوصی مجموعه. - یزد، مجموعه عرب‌ها.



(Ranjbar, 2009)

شکل ۷: مسجد به عنوان کانون نظارت عمومی در بافت سنتی شهر یزد، سبب کنترل رفتار مردم در تسلط مسجد بر عرصه عمومی شهر - مسجد جامع یزد.



(Tavassoli, 2009, p. 77)

۸-۴- مسأله ۸: شیوه‌های پایدار در تأمین نیازمندی‌های اجتماعی

مکتب اسلام جهت ارتقاء مشارکت شهروندان در استعمار و آبادی محل سکونت خویش از ابزارهای مختلفی استفاده نموده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها «سنت وقف» می‌باشد. این سنت می‌تواند بر کلیه فضاها اعم از عمومی یا خصوصی جاری شود. زمینه مشارکت عمومی مردم در امور خیریه، در قالب وقف و نذورات با اطلاع رسانی‌های مناسب و مطلوب، نه فقط در سطح خود منطقه‌های محروم، بلکه در عرصه مادر شهر، می‌تواند زمینه‌های جذب سرمایه و تعاملات انسانی با انگیزه‌های الهی را فراهم آورد.

وقف یکی از اصول ارزشمند اسلام است که بهره‌مندی‌های عام المنفعه‌ای را به صورت پایدار در شهرهای اسلامی ایجاد می‌نماید (شکل ۹). توصیه به وقف سبب شده بسیاری از مناطق محروم توسط خیرین با اهداف معنوی آباد شوند. این سنت حسنه به خوبی می‌تواند در شهرهای جدید و مجتمع‌های در حال توسعه ترویج شود. به خاطر محدودیت‌هایی که در تغییر، ساختمان‌های وقفی وجود دارد، چنین ساختمان‌هایی عامل پایداری سنت‌ها و ارزش‌های هویتی می‌شوند. و اهمیت زیادی در هویت شهر اسلامی دارد. در قرآن کریم با عنوان باقیات الصالحات از آن سخن گفته شده است. در مجامع روایی شیعه بابی تحت این عنوان وجود دارد. به عنوان نمونه به کتاب الحیة جلد ۶ باب وقف مراجعه شود. به عنوان نمونه یکی از موضوعاتی که می‌تواند ضمن کمک به سازندگان مسجد هویت عبادی آن را نیز حفظ نموده و از درگیر شدن با فضای تجاری و کاربری‌های نامناسب محافظت نماید. توجه به موضوع ارزشمند و مهم «وقف» و تعیین موقوفاتی برای هر مسجد می‌باشد، که در این دوران کمتر مورد توجه قرار داشته است، و توجه جدی‌تری را طلب می‌نماید (Naghizadeh, 2008, p. 405).

شکل ۹: وقف عامل پایداری هویت یک محله است - نقشه موقوفات شهر تهران



(Shah Hoseini, 1998, p. 68)

۹-۴- مسأله ۹: ضرورت پیشرفت و تعالی دینی در محیط سکونت و عدم بازگشت به محیط‌های بدوی و غیردینی

در وصیت پیامبر اکرم (ص) به امام علی بن ابی طالب (ع) آمده است: (لا تَعْرَبْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ). «بعد از هجرت دیگر تعرب (بازگشت به بادیه‌نشینی) نیست و نباید باشد» و بسیاری از اخبار آن را از گناهان کبیره شمرده‌اند (Majlesi, 1987, p. 319). امام رضا (ع) به نقل فضل بن شاذان می‌فرماید: تعرب پس از هجرت حرام شد، تا کسی از دین بازنگردد، و یاری‌رسانی و مشارکت در نهضت‌های پیامبران و حجت‌های خدا (علی‌هما السلام) را فرو نگذارد. همچنین تعرب مایه فساد است و از بین بردن حق صاحب حق می‌شود. علت نهی از تعرب این امور است، نه سکنی در بادیه. و به همین جهت است که اگر شخصی دین را کاملاً بشناسد، برای او همخانه شدن با اهل جهل روا نیست، زیرا بیم آن می‌رود که طلب علم را واگذارد، و در جرگه اهل جهل داخل شود، و بر این حال بماند.

حکیمی می‌گوید: «پس از هجرت دیگر تعربی نباید باشد»، این است که چون کسی از بادیه هجرت کرد و به شهر آمد و جزء جامعه اسلامی شد، و به اعتقادات اسلامی گروید، و به آداب دینی عمل کرد، نباید دیگر «تعرب» کند، یعنی به خوی و آداب اعراب (بادیه‌نشینان) بازگردد و به میان آنان رود، و از اسلام و مسلمانی دور افتد. آنچه از تعرب نکوهیده است خود سکونت در بادیه نیست - چنان که در حدیث گفته شده است - بلکه فرو گذاشتن عقاید و تربیت اسلامی و بازگشت به حالت و عادت بادیه‌نشینی و بیابان سرایی است. گفته‌اند که هر کس بدون عذر از میان مسلمانان خارج می‌شد و به بادیه بازمی‌گشت، او را به منزله «مرتد» می‌دانستند (Baradaran Hakimi, 1992, pp. 429-430).

۵. مسائل مرتبط با محله

۵-۱- مسأله ۱: مرز همسایگی

مرز همسایگی در اسلام بسیار گسترده و وسیع دیده شده به طوری که پیامبر (ص) تا ۴۰ خانه را حریم همسایگی دانسته‌اند. پیامبر (ص) می‌فرماید: تا چهل خانه همسایه به شمار می‌آیند (Mohammadi Rey Shahri, 1998, j.2). احادیثی مشابه از امامان معصوم با همین مضمون وجود دارد. این حد گسترده نشان از اهمیت بعد اجتماعی زندگی مسلمین دارد. به طوری که بسیاری از اسلام‌شناسان غربی شناخت مبانی اجتماعی اسلام را زیر بنایی ضروری برای تحلیل کالبدی شهرهای اسلامی دانسته‌اند.

در مورد مراسمات و شعائر عمومی مسأله دقت بیشتری نیاز دارد. به طور مثال صدای اذان و اجتماع مردم در مراسمات ویژه دارای مجوز است. ولی غیر از صدای اذان در اجتماعات خاص دینی در بقیه موارد باید بسیار محتاط بود. در مورد ارتفاع مناره نهی‌هایی وجود دارد که برخی دلیل آن را مزاحمت برای همسایگان دانسته‌اند.

۵-۲- مسأله ۲: شأن دینی محله

بحث گسترده‌ای که در زمینه شأن دینی شهر در مسأله ۹ بخش مسائل مشترک محله و کل شهر طرح شد، در زمینه انتخاب محله نیز همان معیار قابل طرح است. محله‌ها سطوح دینی متفاوتی دارند و نباید انسان محله خود را از بعد دینی تنزل دهد. این کار از گناهان کبیره است. بلکه باید در محله‌ای ساکن شد که دسترسی به عالمان دینی در آن ساده‌تر باشد.

۳-۵- مسأله ۳: توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین

در قرآن کریم دستور به بزرگداشت برخی نمادها و نشانه‌های خداوند وجود دارد. در «آیه ۳۲ سوره حج» آمده است: هر که شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل‌هاست. در آیات دیگر چند مورد از مصادیق شعارهای الهی از جمله صفا، مروه، قربانی و غیره نام برده شده است. به نظر می‌رسد مساجد در شهر از مهم‌ترین مصادیق شعائر الله‌اند. در اینکه تعظیم شعائر خداوند در ساختمان مسجد به چه معناست نظریات گوناگونی وجود دارد. بدون شک تعظیم شعائر مسجد در شرکت با شکوه در آن است. در عین حال لازم است ساختمانی درخور این اجتماع برای مسجد ساخته شود (Noghrekar, 2008, p. 534). نقش مهم دیگری که می‌توان برای مسجد قائل شد، ایفای نقش به عنوان نشانه و به عنوان الگویی برای طراحان و سازندگان سایر بناهای یک شهر و یک محله است. در واقع مرعی داشتن اصول و ارزش‌های اسلامی در مساجد می‌تواند به عنوان راهنمای طراحی سایر ابنیه و مصداق بارز امر به معروف و آموزش عمومی عمل کند (Naghizadeh, 2008, p. 364).

سنت رسول خدا (ص) ایجاب می‌کند که شهر دارای میدانی باشد که نماز عید در آنجا برگزار شود و این میدان را مصلی العید می‌نامیدند. و بدین ترتیب معماری بناهای دینی کمال یافت و وظایف و جایگاه هر یک از آن‌ها در محله‌های مسکونی مشخص و در بناهای شهرهای جدید اسلامی نیز رعایت شد. این روش در مورد شهرهایی از قبیل دمشق و قرطبه و جز آن‌ها که بعدها توسط مسلمانان فتح شد، نیز اعمال گردید. میدان نقش جهان یکی از مصادیق همین ایده بود. مرکزیت این میدان از زمان صفویه تا به امروز همچنان در سطح شهر حفظ شده است؛ به طوری که بسیاری از ادارات دولتی، بانک‌های مرکزی و غیره در اطراف آن قرار دارد (Okhovvat et al., 2010, pp. 247-248). (شکل ۱۰).

شکل ۱۰: قرارگیری مسجد در محور میدان و تشخیص آن نشانه بعد دینی و تعظیم شعائر در عرصه شهر اسلامی - دید از مسجد امام به میدان نقش جهان

(hamshahrionline.ir)

۴-۵- مسأله ۴: بهترین و بدترین جایگاه‌های نشستن (وقت گذرانی) در شهر

برای نشستن در مسجد (البته بدون سخن گفتن از دنیا) فضائل فراوانی ذکر شده است. در مقابل نشستن در بازار جزء بدترین جایگاه‌های نشستن بیان شده است. سخن گفتن و همنشینی در آن آثار سوء دنیاگرایی در پی دارد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: بدترین جاهای زمین بازارهاست که میدان شیطان است، شیطان با اولین نفر وارد بازار می‌شود و با آخرین نفر خارج می‌شود. بهترین جاها مساجد است؛ و محبوب‌ترین مردم در نزد خداوند کسی است که پیش از همه به مسجد در آید و پس از همه خارج شود (Baradaran Hakimi, 1992, p. 586). بازتاب این روایات را می‌توان در شهرها و محله‌های سنتی مشاهده کرد. به طوری که مساجد، کانون محله‌ها مهم‌ترین بناهایی است که از گذشته به یادگار مانده است. در شهرسازی و محله‌های امروز این ارزش تا حدود زیادی کمرنگ شده است (Noghrekar, 2008, p. 534). بازارها و مراکز تجاری باید جنبه کاربردی داشته باشند، و بازارگردی و تفریح و وقت گذرانی در بازار با ارزش‌های اسلامی سازگار نیست. در اشکال ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ می‌توان مقایسه‌ای بین بازار سنتی که محل خرید و گذار بود و نه تجمع و نشستن و مراکز خرید امروزی که محل تجمع و تفرج شده است، مشاهده نمود.

شکل ۱۱: مراکز تجاری امروزی به محلی برای وقت گذرانی مبدل شده است - مرکز خرید تیرازه تهران



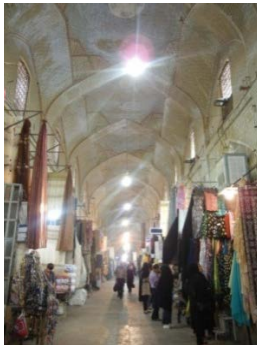
(www.dabi.ir)

شکل ۱۲: مراکز تجاری امروزی نقش کارکردی خود را از دست داده و به محلی برای تفریح مبدل شده است - مرکز خرید تیرازه تهران



(Moein Mehr, 2012)

شکل ۱۳: بازار سنتی مسیر حرکتی بود و جنبه تفریحی و وقت گذرانی نداشت - بازار وکیل شیراز



(Moein Mehr, 2012)

زمانی که از بهترین و بدترین جاها سخن گفته می‌شود، به این معنا نیست که همیشه باید در بهترین جا بود. بلکه باید در بدترین جا به ضرورت وارد شد و باید تلاش نمود تا توقف و حضور در فضاهای مطلوب بیشتر صورت بگیرد.

۵-۵- مسأله ۵: حقوق همسایگی

اسلام نگرش خاصی در مورد همسایگی و رفت و آمد میان محله‌ها به عنوان ستون فقرات امت دارد که در مجموعه‌ای از اصول اخلاقی متجلی می‌شوند. این اصول اخلاقی در دو اصل عمده یافت می‌شوند: افزودن بر میزان روابط و حفظ حقوق همسایگان (Okhovvat et al., 2010, p. 32). در متون اسلامی از تأکید شده‌ترین مسائل زندگی اجتماعی توجه به همسایه است. که روایات زیادی از پیامبر و ائمه اطهار به آن توجه داشته‌اند. چه بسا از مهم‌ترین توصیه‌های نبوی بود. به طور مثال: حضرت علی (ع) در وصیت نامه خود به این سفارش نبوی تأکید کردند که: *اللّٰهُ فِی جِیْرَانِكُمْ فَاِنَّهُمْ وَصِيَّةُ نَبِيِّكُمْ*. «خدا را، خدا را درباره همسایگان آنان سفارش شده پیامبرند». آن حضرت (ص) پیوسته درباره همسایگان سفارش می‌کردند، چندان که گمان بردیم آن‌ها را ارث‌بر قرار خواهد داد (Seyyed Razi, 2009, p. 422 ; Majlesi, 1983). پیامبر حقوق همسایه را به حقوق مادر نسبت به فرزند تشبیه می‌نمودند. در این موضوع می‌توان به باب همسایه در کتاب میزان الحکمه جلد ۲ مراجعه نمود.

همچنین از مهم‌ترین حقوق همسایگی عدم آزار و اذیت دیگران است تا حدی که از پیامبر (ص) و امامان نقل شده که از ما نیست کسی که همسایه او از شر او ایمن نباشد (Majlesi, 1987, j.74, p. 151). در حدیثی دیگر پیامبر (ص) فرمودند: حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرند و جریان هوا را بر وی مسدود نکنند (اشکال ۱۴ و ۱۵) (Payandeh, 1983, p. 291).

شکل ۱۴ و ۱۵: با رشد شهرنشینی و اختلاف طبقاتی، بهره‌مندی یکسان از مواهب از بین رفته و بلندمرتبه‌سازی باعث از بین رفتن بعضی از مواهب طبیعی برای برخی از خانه‌ها شده است (شکل سمت راست) - جماران، دهه ۸۰ شمسی - استفاده یکسان خانه‌ها از مواهب طبیعی (شکل سمت چپ) - جماران، دهه ۵۰ شمسی



(Haj Ali Teimoori)



(Haj Ali Teimoori)

۶. مسائل مرتبط با خانه

۶-۱- مسأله ۱: نهی از تکبر به وسیله خانه

نهی از تکبر به وسیله خانه از مهم‌ترین منهیات اسلامی است که در قرآن و روایات، بازتاب فراوان دارد. در قرآن کریم اقوام عاد و ثمود و سبا به خاطر شکل‌های مختلف تفاخر از طریق خانه مورد سرزنش قرار گرفتند. خداوند در «آیات ۱۲۹-۱۲۸ سوره شعراء»^{۱۱} می‌فرماید: آیا به عبث، بی‌آنکه شما را نیازی باشد، بر هر بلندی خانه‌ای رفیع که همچون علامتی نمایان است بنا می‌کنید؟ و کاخ‌های رفیع و استوار برای خود می‌سازید بدان امید که جاودانه بمانید؟ همچنین در روایات نیز نهی‌های هشدار دهنده‌ای وجود دارد. به تعبیر امام خمینی بر طبق حدیث حضرت علی(ع): «کسی که لباس عالی بپوشد لا بد است از تکبر و لا بد است برای متکبر آتش» روایات هشداردهنده در زمینه تکبر با معماری خانه بیش از حد تواتر است (Noori, 1987, Bab. 16, Hadis. 5, be naghl az Ghotb Ravandi).

از این جهت روایات نهی از ارتفاع بلند خانه نیز می‌تواند به همین بعد اشاره داشته باشد، چرا که ارتفاع بلند در فضای داخلی احساس غرور و جاودانگی کاذب و از بعد خارجی تفاخر بر دیگران را برای صاحب خانه به ارمغان می‌آورد. تعداد این روایات نیز بیش از حد تواترند. به عنوان نمونه: امام صادق(ع) فرمودند: هنگامی که مرد خانه‌ای بالاتر از هشت ذراع می‌سازد به او ندا می‌شود که: ای فاسق‌ترین فاسقان به کجا می‌روی؟ (Majlesi, 1983, p.151). هدف از نهی امام صادق(ع) و التزام بین ارتفاع، از بُعد درونی اشاره به ارتفاع داخلی خانه شخصی و از بُعد بیرونی اشاره به تکبر آمیزی آن دارد. اگر برج‌های مسکونی در شهر نیز جلوه‌گری ویژه‌ای داشته باشند و حالتی تفاخر گونه به خود بگیرند، در این مورد نه از بُعد ارتفاع، بلکه از بُعد تفاخری که شبیه خانه‌های قوم عاد و ثمود شده و مورد نهی قرار خواهند گرفت.

امام خمینی نیز در کتب فقهی خود می‌فرماید: اگر خانه مسکونی فرد بیشتر از آنچه احتیاج دارد باشد، باید در آن مقداری که مورد نیازش است ساکن شود و اضافی را بفروشد. یا خانه را بفروشد و پایین‌تر از آن را که مناسب حالش است بخرد؛ و اگر دارای چند خانه باشد که برای سکونت به همه آن‌ها احتیاج دارد، هیچ کدامشان را نمی‌فروشد. و همچنین است حال مرکب و لباس‌ها و مانند این‌ها (Khomeini, 1997, p. 737).

شکل ۱۶: سادگی درب خانه و عدم تفاخر آن حتی در مسأله اشراف در شهرهای گذشته وجود داشت - درب ورودی خانه عامری‌ها



(www.behrah.com)

رعایت سادگی و تواضع در خانه‌ها، از اصول معماری اسلامی و اسراف و ایجاد زندگی تجملاتی از ممنوعیت‌های اصلی در اسلام است. پیامبر(ص) بر ضد دلبستگی بر این نوع زندگی تجملاتی هشدار می‌دهد و تأکید می‌کند که مسلمانان بر سرانجام کارهای نیک با یکدیگر رقابت کنند و از کشمکش و مشاجره دوری کنند. چنین هشدار برای حفظ عدالت اجتماعی و اتحاد ضروری است. زیرا افراط و ایجاد یک زندگی تجملاتی بدون شک دارای اثرات خطرناک بر روی حیات اجتماعی و تعادل جامعه است (Okhovvat et al., 2010, p. 173).

خودبینی و اسراف در خانه‌سازی لزوماً به این معنا نیست که مردم باید در خانه‌های محقر زندگی کنند. تنها تجمل‌گرایی و استفاده از تزئینات غیرضروری در خانه‌سازی غیرمجاز اعلام شده است و تعالیم اسلامی با هر کوششی که استفاده از نعمت‌های خداوند را منع می‌کند، مبارزه کرده و آن‌ها را متعلق به بندگان خدا می‌داند (Ibid, 174). بر طبق حدیث حضرت علی در نهج البلاغه، خانه بزرگ به منظور ارتباط با طبیعت یا مردم و مهمان‌پذیری و برگزاری مجالس دینی و غیره هرگز مورد نهی دین نیست، بلکه نهی مربوط به جنبه‌های تکبرآمیز خانه از قبیل سردرب و حجم خانه است.

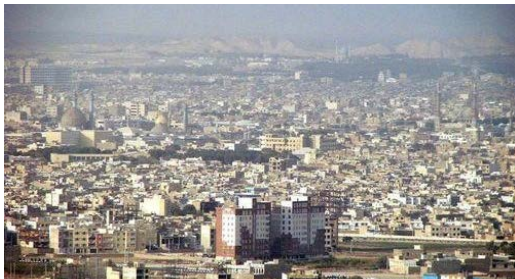
۶-۲- مسأله ۲: حفظ همگونی ظاهری و عدالت اجتماعی و عدم ظهور اختلاف طبقاتی در مجموعه واحدهای مسکونی

برادری و عدالت اجتماعی و همسایگی ایجاب می‌نماید، خانه‌ها و مجموعه واحدهای مسکونی به خصوص از خارج از بدع، حجم، ارتفاع، فرم مواد و مصالح و رنگ وحدت و هماهنگی داشته باشند و متضاد و چندگانه نباشند (اشکال ۱۸ و ۱۷). در اخلاق اسلامی از هر گونه تشخیص‌بخشی بی‌جا به مظاهر زندگی انسان از جمله لباس و خانه نهی گردیده و حرام دانسته شده است. این نهی به خاطر نتایج اخلاقی ناگواری همچون شهرت‌طلبی است، که چنین تشخیصی برای فرد ایجاد می‌نماید. از احادیث فراوانی در نهی از مظاهر شهرت‌زا در زندگی وجود دارد که می‌توان به نمونه زیر اشاره کرد. چون عباد بصری با لباس شهرت خدمت امام صادق(ع) رسید، حضرت فرمود: ای عباد! این چه لباسی است؟ عرض کرد: ای

ابا عبدالله! این را برای من عیب می‌دانی؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا (ص) فرمودند: هر که در دنیا لباسی شهرت‌آور بپوشد، خداوند در روز قیامت جامه خواری بر او بپوشاند (Tabarsi, 1991, p. 117). بازتاب این حکم در معماری سنتی خانه‌ها با دیوارهای ساده کاملاً آشکار است. که از مهم‌ترین نتایج این امر توجه به عدالت اجتماعی در حوزه معماری و شهرسازی است ولی در معماری برون‌گرایانه سده اخیر این امر بسیار کمرنگ شده است.

از بعدی دیگر، شکل شهری محیط زندگی مسلمانان، سهم عمده‌ای در دستیابی به اصول اسلامی تعامل اجتماعی و روابط قوی همسایگی دارد. شکل متراکم مناطق مسکونی شهرهای سنتی اسلام، نه تنها در حمایت از این اصول موفق بود، بلکه می‌توان آن را تحقق کامل سنت دانست. پیامبر (ص) در مورد محدوده همسایگی فرمودند: «تا چهلمین خانه از منازل شما، هنوز همسایه شما به حساب می‌آید». بر این اساس، عدد چهل نمایانگر محدوده تعداد واحدهای هر بلوک می‌باشد، که در بسیاری از شهرهای سنتی مسلمانان به چشم می‌خورد (Morteza, 2008, p. 117).

شکل ۱۸: از بین رفتن هویت شهری و عدم پیوستگی مجموعه واحدهای مسکونی به خصوص از خارج از بعد حجم، ارتفاع، مصالح و وحدت و هماهنگی - بافت جدید، یزد



(www.nazaronline.ir)

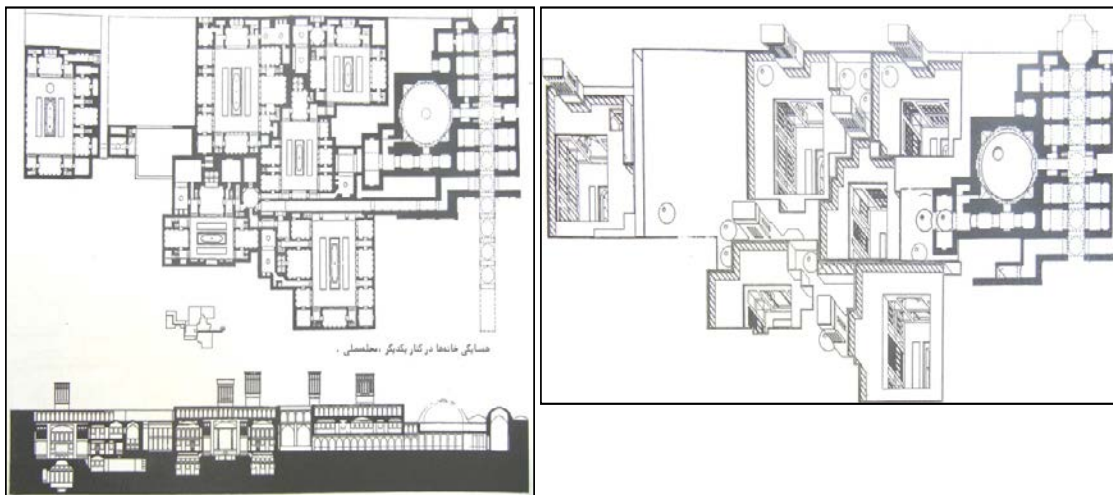
شکل ۱۷: پیوستگی مجموعه واحدهای مسکونی به خصوص از خارج از بعد حجم، ارتفاع، مصالح و وحدت و هماهنگی و استفاده یکسان از مواهب طبیعی - بافت قدیم، یزد



(www.nazaronline.ir)

«الشیشتاوه حسن»، دلایل ایجاد و گسترش شهرهای سنتی اسلام را اینگونه بیان می‌دارد: الف) همکاری و نزدیکی بین مردم (این امر منجر به ساخت خانه‌های نزدیک به یکدیگر و کاهش اندازه بلوک‌های واحدهای همسایگی شد. ب) نزدیکی اجتماع مورد نیاز، در جهت امکان برقراری تماس نزدیک و در مجاورت هم زیستن. به عبارت دیگر، مفاهیم امت و برادری عمدتاً منجر به توسعه اکثر شهرهای اسلامی (از لحاظ شکل شناسی) می‌شد. یکپارچگی و تعامل اجتماعی به عنوان اصل کلیدی در نظام اجتماعی اسلام، باعث تراکم شهری مناطق مسکونی شد. این امر در ساخت خانه‌های به هم پیوسته و مجتمع‌های مسکونی، نمایان شده است (Al-Shishtawe, 1984, p. 33). پیوستگی فیزیکی منازل در نتیجه ادغام اجتماعی، اندازه محله را محدود نموده و فاصله بین منازل را کاهش می‌داد (شکل ۱۹).

شکل ۱۹: پیوستگی و وحدت و هماهنگی مجموعه واحدهای مسکونی و استفاده یکسان از مواهب طبیعی - مجموعه ملک، محله مصلی، یزد



(Ghezelbash & Abolziyae, 1985)

۷. نتیجه‌گیری

شریعت^{۱۲} از طریق منابع خود، اصول ویژه‌ای را در حوزه‌های مختلف محیط فیزیکی به منظور حمایت از ارزش‌های اجتماعی اسلام، تدوین نموده است. در حوزه شهری، دیدگاه شریعت بر این است که برنامه‌ریزی و نظارت بر «ساخت محیط» اسلامی، باید با اصول اجتماعی اسلام هماهنگ باشد. همانگونه که تصمیمات حوزه برنامه‌ریزی شهری، شکل دهنده زندگی اجتماعی در «ساخت محیط» اسلامی است، منطقه‌بندی شهری و کاربری زمین نیز، باید بر بازتاب مفهوم اسلامی امت که خواستار یکپارچگی اجتماعی و حفاظت از نیازها و حقوق مردم است، معطوف شود. در حوزه مسکن، اسلام خواستار حفظ حریم خصوصی ساکنین خانه می‌باشد. بنابراین محل و طراحی خانه یک فرد مسلمان، باید انعکاسی از عمل به این تکلیف باشد. خانه همچنین نباید منشاء مزاحمت و آزار برای همسایگان یا عموم مردم باشد. شریعت با هر گونه عامل یا فعالیتی در محیط خانه که به کاربرد فضاهای عمومی یا استفاده کنندگان از آن‌ها و خانه‌های مجاور آسیب برساند، مخالف است. این مخالفت، به مثابه تلاش در راستای محافظت از حقوق ساکنان خانه، همسایگان و عامه مردم و حوزه خاص هر کدام می‌باشد. شریعت همچنین به دلایل فراوان اجتماعی - مذهبی، تجمل‌گرایی و صرف هزینه بیش از اندازه برای خانه را، ممنوع نموده است.

هدف اسلام از وضع این اصول، نظارت بیش از حد بر آزادی مردم در محیط مادی (فیزیکی) نیست. بلکه، هدف اسلام روشن نمودن و حفاظت از وظایف و حقوق مردم و بدین طریق ایجاد محیط همکاری و آرامش است. جوامع اسلامی معاصر، به عنوان بخشی از این دنیای ناهمگن فرهنگی، مقتضیات جدیدی دارند که با شرایط جامعه‌ای که این اصول در آن گسترش یافته بودند، کاملاً متفاوت است. تغییر و تحول در نظام شریعت، که حاوی اصولی است که توجه مسلمانان را بر چگونگی پرداختن به تحولات جدید معطوف می‌دارد، نادیده گرفته شده است. امروز از این ارزش‌ها دور هستیم و شناخت دقیق‌تر این ارزش‌ها ما را به تحقق و نزدیک‌تر شدن به ارزش‌های اسلامی می‌رساند.

با استفاده از قوانین اسلامی زمینه‌سازی برای تعالی فکری و اخلاقی باید براساس اجتهاد صورت گیرد. در این تحقیق، در هر مسأله، اولویت‌های گوناگونی از بُعد هویت دینی، هویت تاریخی و هویت معاصر به رقابت بر می‌خیزند، که هرگز نباید هیچکدام را نسبت به بُعد دیگر کم اهمیت فرض نموده و آن را حذف نمود. با مبنا قرار دادن هویت دینی تلاش می‌شود راه‌حلهایی از تاریخ و شیوه‌هایی از زندگی معاصر که سازگاری بیشتری با آن دارند، برگزیده و آن‌ها را معرفی نمود. بدین ترتیب اصول فوق هرگز به معنای ارتجاع و کهنه‌گرایی نیست، بلکه با مبنا قرار دادن دین در انتخاب‌های معاصر و با توجه به همه نیازهای امروزی است.

طراحان و برنامه‌ریزان، بدون آگاهی از اصول اسلامی و معانی و منابع آن‌ها، به ایجاد یک «ساخت محیط» کاملاً منطبق با اصول اسلامی، قادر نخواهند بود. بنابراین، در طراحی و برنامه‌ریزی «ساخت محیط» اسلامی، باید به افرادی متکی بود که ضمن برخورداری از شناخت عمیق حکمت نظری و حکمت عملی اسلام، و آشنایی با فلسفه هنر و فقه و حقوق اسلامی در مباحث مربوط به محیط زیست محلی و شهری انسان‌ها، استعداد و قابلیت لازم را برای اجتهاد عملی داشته باشند، آن‌ها باید بتوانند با حفظ اصول راهبردی و ارزش‌های اسلامی مبتنی بر شرایط زمانی و مکانی و مقتضیات آن برنامه‌ریزی و طراحی نمایند.

اسلام مکتبی است که معماران و شهرسازان را قادر می‌سازد تا ایده‌آلیسم انسانی را با واقعیت‌های رئالیستی، هماهنگ و هم جهت نمایند. این حقیقت موقعی نمایان و ظاهر خواهد شد، که معماران و شهرسازان ما علاوه بر دانش کافی در عمل متعهد و پایبند به ارزش‌های اسلامی باقی بمانند و تقوی اخلاقی را در همه مراحل اعمال نمایند.

به طور خلاصه، مهم‌ترین راهبردهای استخراج شده از تحقیق فوق به قرار زیر است. به نظر می‌رسد هدف اصلی دین تأثیر و نتیجه‌ای است که از این راهبردها حاصل می‌شود. به همین جهت در جدول زیر در کنار هر راهبرد، نتیجه‌ای که در تنظیم راهبرد مد نظر بوده است ذکر شده است. این جدول تلاش دارد خلاصه‌ای از اصول استخراج شده از پژوهش، همراه با مبانی اسلامی آن‌ها، راهبردهای عملیاتی - اجرایی و نتایج و تأثیراتی که از تحقق آن‌ها برای زندگی انسان فراهم می‌آورد، ارائه نماید.

جدول ۱: راهبردهای اسلامی طراحی محیط در سه مقیاس شهر، محله و خانه

مسئله	مبنای اسلامی	راهبرد	نتیجه و تأثیر
مسئله مرتبط با عرصه‌های عمومی شهر	۱- رجحان شهر بر روستا	۱- تشویق به سکونت در مجتمع‌های دارای بنیادهای علمی و دینی ۲- تقویت بعد فرهنگی و دینی روستاها	- عدم تراکم خدمات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی - دسترسی به زمینه‌های رشد
	۲- محیط زندگی و شغل در شهر خود	۱- دور نبودن مراکز شغلی افراد از محل سکونت ۲- لزوم توجه به ابزارهای اشتغال‌زایی در شهرهای جدید	- شهر خود و آبروداری و عدم انجام کار خلاف - آسایش فکری و روانی بیشتر فرد و پرهیز از اتلاف وقت و سرمایه شهروندان
مسئله مشترک مرتبط با شهر و محله	۱- قابلیت عرصه عمومی شهر برای انجام مراسمات دینی	۱- حسینیه‌ها و تکایا عامل معنویت بخشیدن به راه‌های فیزیکی شهر و موجب پیوند بین عناصر شهری و تعظیم شعائر	- بزرگداشت شعائر الهی - طراحی فضاهای شهری برای سهولت بخشیدن به تعاملات اجتماعی
	۲- بُعد علمی و دینی در محله و شهر	۱- شهر به عنوان مرکز علمی ۲- شاخص بودن خانه عالم جهت رفت و آمد مردم	- زمینه‌ای وسیع برای گسترش روش‌های علمی و فنی و پیشرفت محیطی برای تقویت نیروی ایمان - ارتقاء روحیه علم دوستی در مردم و تکامل بیشتر جامعه
	۳- شهر، بستر اندیشه‌ورزی	۱- ایجاد فضاهایی در معماری و شهرسازی که حواس پنج‌گانه از تحرک بازایستند ۲- بسترسازی برای فعال نمودن نفس عقلانی و روحانی انسان	- عدم وجود معابر شلوغ و ورود وسایل نقلیه پر سر و صدا و دارای آلودگی صوتی در عرصه محله‌ها
	۴- وجود بوستان‌های شهری در ایجاد تفریحات سالم برای خانواده	۱- ایجاد باغ و باغ‌سازی در معماری و شهرسازی اسلامی	- بوستان‌های درون محله‌ها و ایجاد تفریحات سالم برای خانواده - ارتباط انسان با طبیعت
	۵- جانمایی مناسب فضاهای تفریحی، سرگرمی	۱- اجتناب از مکان‌یابی فضاهای تفریحی در گره‌های شهری در معرض رفت و آمد عمومی و مسیرهای فرهنگی - مذهبی	- مزاحمت کمتر فضاهای تفریحی برای اهداف عالی شهروندان به ویژه اهل معنا
	۶- نقش نمادها و یادمان‌های مذهبی در محله و شهر	۱- لزوم ظهور پر رنگ‌تر نمادهای مذهبی در شهر نسبت به مظاهر زندگی مادی	- بزرگداشت یاد دانشمندان و بزرگان - کالبدی که در صورت حامل بودن معانی مذهبی، بر بافت اطراف خود تفوق داشته باشد
	۷- نظارت عمومی بر فضاهای شهری در راستای کاهش جرائم	۱- قرارگیری فضاها در معرض دید عموم ۲- ارتقاء امکان نظارت عمومی بر فضاهای شهری	- به حداقل رسیدن محل بروز بزهکاری اجتماعی و کاهش جرائم - ارتقاء خود نظارتی شهروندان
	۸- شیوه‌های پایدار توجه به نیازمندی‌های اجتماعی در شهر	۱- محدودیت در تغییر، ساختمان‌های وقفی عامل پایداری	- حفظ پیوستگی و هویت یک محله

	۱- مرز همسایگی	احادیث معصومین در مورد ضرورت توجه به همسایگان تا چهل خانه	۱- تنظیم واحدهای همسایگی به صورتی که بستر ساز تعاملات اجتماعی باشد و مزاحمتی برای دید و بهره‌مندی طبیعی هم ایجاد نکنند	- تقویت روابط اجتماعی
	۲- شأن دینی محله	احادیث تعرب و توجه به بعد دینی محله و همسایگان	۱- توجه به شان دینی محله‌ها و توسعه محله‌های دینی‌تر	- تقویت هویت و معرفت دینی افراد
	۳- توصیه به تعظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین	(سوره حج، ۳۲)	۱- مکان‌یابی نمادهای معنوی و قدسی در کانون‌های اصلی شهر و لحاظ کردن کالبد مناسب برای آنها	- متذکر شدن دائمی شهروندان در فضاهای شهری درباره هدف و جهت اصلی زندگی
مسائل مرتبط با محله	۴- بهترین و بدترین جایگاه‌های نشستن (وقت گذرانی)	حدیثی از پیامبر (ص)	۱- پرهیز از طراحی و اجرای فضاهای مکث و توقف در مراکز تجاری ۲- افزودن فضاهایی همچون، کتابخانه، مسجد یا زیارتگاه و غیره به فضاهای تجاری و پررنگ‌تر کردن بُعد فرهنگی در بازار (که از مهم‌ترین آنها اطلاع‌رسانی و اخبار و انجام مراسم و اجتماعات است)	- ایجاد مراکز تجاری با نظام فضایی صرفاً متناسب با رفع نیازهای اقتصادی مردم و نه اجتماعی و تفریحی
	۵- حقوق همسایگی	احادیثی از پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)	۱- توجه به ارتفاع، فرم و کالبد ابنیه مسکونی مجاور هم جهت حفظ حقوق مالکان	- حفظ حقوق مالکان و کاهش تنش‌های احتمالی میان آنان
	۱- نهی از تکبر به وسیله خانه	(سوره شعراء، ۱۲۹-۱۲۸) و حدیثی از حضرت علی (ع)	۱- لزوم تبعیت واحدهای همسایگی از فرم، نما و مصالح تقریباً مشابه و هم‌سنگ ۲- پرهیز از هر نوع سبک و فرم غیرهماهنگ با بافت همسایگی در طراحی و اجرای ابنیه مسکونی	- ارتقاء عدالت و انسجام اجتماعی و روحیه برادری میان همسایگان - دوری شهروندان از صفت رذیله کبر و نیل جامعه اسلامی به سوی هماهنگی و وحدت
مسائل مرتبط با جامعه	۲- حفظ پیوستگی و عدالت اجتماعی در مجموعه واحدهای مسکونی	احادیثی از پیامبر (ص) و امام صادق (ع)	۱- توسعه کالبدی شهر به نحوی که محلات مسکونی و در مقیاس خردتر، واحدهای همسایگی به طور مشخص قابل تعریف باشند	- حفظ روابط منسجم کالبدی بین واحدهای همسایگی در محلات

پی‌نوشت

۱. وَ إِذَا تَوَلَّى سَعِي فِي الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فِيهَا وَ یُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الْفُسَادَ.
۲. ذَلِكَ وَ مَنْ یُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ.
۳. وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.
۴. لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِئِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ.
۵. وَ قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَا مِنْهَا رَعْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ.
۶. وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ یَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبُثَ لَا یَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ یَشْكُرُونَ.
۷. اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ یَهْبِجُ فَتِرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ یَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ.
۸. همچنین می‌توان به تصاویر طرح شده در کتاب ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی، نگارش دکتر محمد نقی‌زاده اشاره کرد.
۹. وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ.
۱۰. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ أَمَّنْ أَهْلَ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.
۱۱. أ. تَبْتُونَ بِكُلِّ رِيحٍ آيَةٌ تَعْبِتُونَ (۱۲۸) وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۱۲۹).
۱۲. شریعت در حقیقت نظام‌دهنده روابط میان انسان با طبیعت و مردم در چهارچوب بسترسازی برای تعالی معنوی است.

References

- Al-Shishtawe, H. *The Arabian City between the Three Callas*. Tradition, Contemporary, and Conservative, the Arab City: Its Characteristics and Islamic Cultural Tradition.
- Aminzadeh, B.G. (1995). *The Concept of Unity in Islamic Religious Precincts*. Unpublished PhD thesis. The University of New South Wales. Sydney.1995.
- Aminzadeh, B. (1999). Husayniyyahs and Takaya the Expression of the Identity of Iranian Cities. *HONAR-HA-YE-ZIBA*, period. 6.
- Askari Eslampour, (2006). *Monthly Magazine Protector of Islam*. The twenty-fifth year, No. 300.
- Bahreiny. S.H., Aminzadeh, B. (2006). Urban Design in Iran: A New Approach. *Honar-Ha-Ye-Zibe*, 26.
- Butterfield, C. (2004). *Faith in Place*. Harvard University Center for the Environment.
- Canter, D. (1971). *The Psychology of Place*. London: The Architectural Press.
- Faramarz Gharamaleki, A. (2006). *Methodology of Religious Studies (New Writing)*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Ghezlbash, M.R., Abolziyae, F. (1985). *The Alphabet of Yazd Traditional House*. Tehran: Ministry of Planning and Budget.
- Hakimi, M.R., Hakimi, M., Hakimi, A. (1992). *Alhayah* (Ahmad Aram, Trans.), the Office of Islamic Culture Publication.
- Hamzenejad, M., Zarrin Ghalam, F. (2011). The Hierarchy of Identify Elements of the Urban in Urban Arsan in the Style of Urban Islamic Era of Iran. *Magazine of Islamic Iranian*, 2.
- Helli, E.F. (1986). *Eddat Aldae & Najah Alsahhi*. Qom: Islamic Daralktab.
- Javadi Amoli, A. (2007). *Interpretation Tasnim*. Qom: Esra Publishing Center.
- Kamareie, M.B. (1997). *Amali Sheikh Saduq*. Tehran: Eslamieh Publications.
- Khomeini, R. (1997). *Tahrir Alvasileh*. Qom: Institute of Dar Alelm Publications.
- Majlesi, M.B. (1983). *Bihar Al-Anwar Aljameeh Ledorar Akhbar Alaemeeh Alat Har*. Tehran: Eslamieh Publications.
- Majlesi, M.B. (1987). *Bihar al-Anwar*. Tehran: Arabic, Publisher, Eslamieh.
- Moghaddasi, A.A. (1984). *Ahsan Altaqasym per Maerefeh Alaqalym*. Monzavi, Alinaqi. Tehran: the Company of authors and translators.
- Mohammadi Rey Shahri, M. (1998). *The Mizan Alhekmah* (Hamid Reza Sheikhi, trans.), publisher of Dar Alhadith.
- Morteza, H. (2008). *Traditional Principles of Construction in Islam*. (Meshkini and Kiomars Habibi, Trans.), Tehran: The Publications of the Center for Studies and Research of Architecture & Urbanism.
- Naghizadeh, M. (2007). *Perception of the Beauty and Identity of Town in Islamic Thought*. Recreational and Cultural Organization of the Municipality of Isfahan. Publisher, Recreation and
- Naghizadeh, M. (2008). *Town and Islamic Architecture*. Isfahan: Manny Publications.
- Noghrekar, A.H. (2008). *Introduction to Islamic Identity in Architecture and Urbanism*. Tehran: Publications the Department of Housing and Urban Development.
- Noori, M.H. (1987). *Mostadrak Alvasael and Mostanbat Almasael*. Beirut, Lebanon, Arabic, Publisher: Al prophet (PBUH) Institute.
- Okhovvat, H., Almasifar, N., Bemaniyan, M. (2010). *Traditional Architecture and Urbanism in Islamic Countries*. Tehran: Publication of Helleh.
- Payandeh, A. (1983). *Nahj Alfsahh, a Collection of Aphorisms of the Prophet Muhammad* (PBUH). Tehran: Publication of Javdan.
- Quran Karim.
- Seyyed Razi, M. (2009). *Nahj Albalagheh*. Qom: Cultural Research Center of Qom Seminary.
- Shah Hoseini, P. (1998). Geography. *Journal of Geographical Research*, 34.
- Tabarsi, H. (1991). *Makarem Alakhlaq*. Qom, Arabic, Publisher, Sharif Razi. (Translation) S.E Mirbagheri, (1986). the publisher, Farahani.
- Tavassoli, M. (1999). *The Points on Mosque Architecture from the Perspective of Quran and Hadith*. Vol. 2. Proceedings of the Conference on mosque architecture: the past. Now. Future. Tehran University of Arts.
- Tavassoli, M. (2009). *Urban Design, Renovate the Art of the Structure of Town*, Tehran: publishing and design houses.
- Tehrani, M. (2010). Speech, Displacement of Jobs and Education is Destructive. World news websites analysis to address: <http://www.jahannnews.com/vdcgty9qyak9nq4.rpra.html>.

